

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ جولای ۲۰۲۲

تخصص باند "گلبدین": خس دزدی و غریب کشی!

پنجشنبه- ۲۳ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: امروز از طریق رسانه ها مطلع شدیم که یک ترور توسط اشخاص ناشناس در شهر کابل و یکی هم در "پل علم" مرکز ولایت لوگر باز هم توسط اشخاص ناشناس صورت گرفته است. با در نظر داشت شناختی که تا کنون از نوعیت عمل نهادها و باند های ترویستی حاصل نموده ام، در یادداشت امروز درک خودم را از تروریست ها با شما در میان می گذارم. قبل از پرداختن به چگونگی هریک از ترور ها که از صلاحیت من بیرون است، باید بگویم که معیار تفکیک و تشخیص من از تروریست ها در تحلیل، شخص قربانی می باشد:

هرگاه از ترورهای کور افراد روانی و مریض که در انتخاب قربانی شان عمدتاً تصادف دخیل می باشد بگذریم، بقیه در تمام موارد و در اقصا نقاط جهان مشخص شده است که در پی هر تروری انگیزه خاصی وجود دارد. یعنی یک انگیزه خاص باعث می شود که تروریست، قربانی و یا قربانیان خود را از بین نفوس یک کشور و یا شهر انتخاب نموده، طرف و یا طرفها را به قتل برساند.

با حرکت از چنین منظری گفته می توانیم، قاتل هر قدر هم که بکوشد از خود نشان انگشت و یا پل پای در قتل و ترور نگذارد، نفس انتخاب قربانی خودش بزرگترین نشان انگشت قاتل می باشد، مگر این که قاتل و یا باندی که به قتل دست می یازد در کل برنامه بی ثباتی و ایجاد فضای رعب و وحشت را داشته باشد و بدون توجه به "چیستی و کیستی" قربانی، فقط بکشد و نابود نماید.

هرگاه از تقسیم بندی اخیر بگذریم، گفته می توانیم که دوقتل اخیر در شهر کابل و ولایت لوگر با مبنای قربانیان ترور توسط دو باند جدا گانه صورت گرفته است. چنانچه:

*- فردی که در شهر کابل توسط افراد ناشناس کشته شده "شیخ سردار ولی ثاقب، رئیس علمای سلفی و رئیس مدرسه نارنجباغ شهر جلال آباد" می باشد. چنین شخصی برای من نوعی حنا اگر سلاح هم داشته باشم و دستم هم به ماشه باشد از آن جایی که با مرگ آن کدام تغییری به وجود نمی آید که از آن نفع ببرم و برخورد قهری با چنان اشخاصی در دستور کارم قرار داشته باشند، به هیچ وجه اولویت نمی یابد. به اصطلاح کشتن چنان ملائی به مصرف مرمی من نیز نمی آرد.

اما خلاف من نوعی چنین فردی برای طالب که دست تکدی آن بین کشور های اسلامی به خصوص عربستان و امارات دراز است، نه تنها از لحاظ اعتبار اجتماعی و گسترش اعتقاداتش یک حریف و رقیب به شمار می آید، بلکه از لحاظ

اقتصادی نیز رقیبی شناخته می شود که چشمش را به نان بالقوه طالب دوخته است، لذا به همان سان که مرگش برای طالب مفاد می رساند، انگشت اتهام مرگش نیز به طرف طالب دراز می شود.

*- و اما جنایت لوگر. در جنایت لوگر ۴ نانوای مظلوم و غریب توسط افراد ناشناس به قتل رسیده اند. در چنین قتلی تا جایی که از مطالعه عملکرد تمام نهاد های تروریستی و باند های مسلح و ساحه نفوذ و میدان عملیاتی آن بر می آید، تمام شواهد ما را در عقب درب باند گلبدین می رساند. زیرا تجربه نشان داده است که آنها در طول حیات ننگین شان، خلاف ترورهائی که در خارج از افغانستان آنهم برخوردار از حمایت نهاد های امنیتی استخباراتی کشورهای همسایه انجام داده و می توان گفت گل های سر سبد جامعه روشنفکری و مبارزاتی کشور را ترور نموده اند، در داخل افغانستان در ۴۴ سال گذشته به جز ترور کسبه کاران مظلوم، معلمان بی پناه، کارگران و دهقانان فقیر، دست شان را حتا برای یک بار بالای یک کارمند بالارتبه دولتی بلند ننموده اند.

انتخاب قربانی از پائینترین افشار و طبقات جامعه به وسیله باند گلبدین، و تطبیق آن در قتل چهار نانوای و امکان هسته های عملیاتی باند گلبدین در ولایت لوگر همه شهادت می دهند که می باید تروریستها و قاتلان ۴ نانوای از باند گلبدین بوده باشند.

هموطنان گرامی!

این که طالب و گلبدین کشتارهای شان را مخفیانه انجام می دهند و مسؤولیت نمی پذیرند، در ذات خود نشان می دهد که آنها می دانند جنایت می کنند و عمل شان نه تنها مورد قبول و حمایت مردم قرار ندارد بلکه بشدت آن را محکوم می نمایند. مگر علی رغم این درک، باز هم دست از جنایت برنداشته، به کوهواره جنایات شان روزتاروز می افزایند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!